

# "اتحاد سوسیالیستی کارگری"

## در مقابل جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر

هر کس، بی آن که قصد تخطئه جنبش اجتماعی طبقه کارگر را داشته باشد و نامه سرگشاده محسن حکیمی و به طور کلی رویکرد او را به مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در سال های اخیر مورد توجه قرار داده باشد، به سادگی درخواهد یافت که اصولاً نگرش او نسبت به مبارزات طبقه کارگر و نحوه شرکتش در جنبش اجتماعی و ضد سرمایه داری این طبقه با نگرش فرقه هایی چون اتحاد سوسیالیستی کارگری در تقابل است. از همین رو، به نظر من، دروغ پراکنی اتحاد سوسیالیستی کارگری و کینه توزی اش صرفاً علیه محسن حکیمی نیست، بلکه هدف این فرقه تخریب کل جنبش اجتماعی ضد کار مزدی است، که محسن حکیمی یکی از فعالان آن است.

اگر در گذشته سکتاریست ها، به جای مبارزه با مناسبات سرمایه داری، طبقه کارگر را به دنباله روی از بورژوازی ( ناسیونالیسم، بورژوازی ملی ) می کشاندند و موضع بورژوایی خود را زیر شعار های تندوتیز سرنگونی طلبی مخفی می کردند، اکنون که جنبش ضد سرمایه داری با تکیه به نیروی خود وارد صحنه مبارزه شده است و به مثابه یک طبقه اجتماعی حضور بالفعل دارد، آن ها چاره ای ندارند جز این که نقاب از چهره بردارند و رو در روی این جنبش بایستند. و این سرنوشت محتوم فرقه گرایی است. تاریخ جنبش طبقه کارگر این موضوع را به اثبات می رساند.

به نظر من، برخورد اتحاد سوسیالیستی کارگری با محسن حکیمی از این دیدگاه است، یعنی این فرقه در تقابل با جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر و آن هم از نوع بدش - با تخطئه و تحریف سخنان محسن حکیمی - به این عمل دست زده است. محسن حکیمی هیچگاه نظرش را پنهان نکرده و بارها در نوشته هایش برخورد فرقه گرایانه را به جنبش اجتماعی طبقه کارگر با صراحت نقد کرده است. او می گوید واقعیات را با شعارهای فرقه ای نمی توان تغییر داد. باید در جنبش اجتماعی طبقه کارگر شرکت کرد و مبارزه خودانگیزانه این طبقه را به مبارزه خودآگاهانه علیه سرمایه تبدیل کرد. او رویکرد علنی به جنبش کارگری را اصل قرار می دهد. او مبارزه فرقه گرایانه را، که تنها به خارج کشور محدود نمی شود، مبارزه "غیرزمینی" نامیده است. و این سخنی نیست که برای اولین بار به زبان محسن حکیمی، محمود صالحی و دیگر فعالین جنبش ضد سرمایه داری درآمده باشد، بلکه بارها در نوشته ها و مصاحبه های این فعالین آمده است.

آن جا که اتحاد سوسیالیستی کارگری می گوید "این هم البته راهی است و راهی که در صحنه سیاست امروز ایران بخوبی شناخته شده است، این راه صرفاً توصیه کار علنی در تقابل با کار مخفی نیست" باید پرسید پس چیست؟ اتحاد سوسیالیستی کارگری برای آن که به تخطئه سخنان محسن حکیمی پردازد راهی جز این برای خود باقی نمی گذارد که چیزی را به او نسبت دهد که در سخنانش نیست، یعنی می گوید محسن حکیمی "نفس اعتراض به رژیم را نالازم" می شمرد، یعنی به دروغ چیزی را به محسن حکیمی نسبت می دهد که نه در سخنان او وجود دارد و نه از نامه اش استنباط می شود.

مبارزه بالفعل طبقه کارگزاران ضدیت با سرمایه و استبداد سرمایه داری شروع می شود. طبقه کارگر مبارزه طبقاتی را با شعارهای ضد رژیم شروع نمی کند. و این صرفاً به دلیل خفقان و استبداد سیاسی نیست، بلکه از ذات خود این مبارزه ناشی می شود. در حالی که نقطه عزیمت فرقه گرایان مبارزه ضد رژیمی است. به همین علت، وقتی محسن حکیمی فعالان کارگری را به دست برداشتن از شعارهای تندوتیز و بی تاثیر و عزیمت از مبارزه ضد سرمایه داری طبقه کارگر و طبعا ایستادگی محکم در مقابل رژیم دعوت می کند، اتحاد سوسیالیستی کارگری نمی تواند منطق سخن او را درک کند و، از همین رو، دست به تحریف این سخن می زند و می گوید حکیمی نفس اعتراض به رژیم را نالازم می شمرد! کجای نامه سرگشاده محسن حکیمی گفته شده است که با رژیم مبارزه نکنید؟ او و دیگر دستگیرشدگان اول ماه مه به همین "جرم" محاکمه و به ۱۴ سال زندان و ۳ سال تبعید محکوم شده اند. اتحاد سوسیالیستی کارگری از دیدگاه فرقه ای به مبارزه طبقه کارگر نگاه می کند، و زمانی که می بیند این مبارزه در جهت منافع فرقه ایش نیست دست به تخطئه و دروغ پردازی می زند. به همین دلیل، اتحاد سوسیالیستی کارگری صرفاً با فعالین کارگری دشمنی ندارد بلکه خود را در مقابل کل جنبش کارگری قرار داده است.

هدف از این نوشته صرفاً دفاع از محسن حکیمی نیست. او خود به خوبی از عهده دفاع از خویش بر می آید. هدف، نشان دادن این نکته است که هنگامی که سکتاریسم کارش به تقابل با جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر می کشد، از هرگونه تخریب، تحریف و دروغ پراکنی در مورد فعالان این جنبش ابایی ندارد.

بهرام دزکی

۸۴/۹/۱۸